

زبان و ادبیات فارسی، به عنوان درسی که در میان دروس عمومی آزمون سراسری، بیشترین ضریب را دارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است. تنوع سؤال‌های این درس و گستردگی مطالب آن، باعث شده است که اکثر داوطلبان نتوانند در این درس، درصد خوبی را به دست بیاورند. با توجه به اینکه درس زبان و ادبیات فارسی برای هر پنج گروه آزمایشی آزمون سراسری اهمیت دارد، تلاش کرده‌ایم که از زبان داوطلبان گروه‌های مختلف که در این درس درصد خوبی کسب کرده‌اند، نحوه مطالعه زبان و ادبیات فارسی و آمادگی برای آزمون آن را بیان کنیم؛ البته شاید شما از شیوه دیگری بهره ببرید و موفق نیز بشوید؛ یا شما اصلاً با درس مورد نظر مشکلی نداشته باشید که در این صورت، مشخص است که نباید نحوه مطالعه خود را تغییر دهید؛ یا شاید شیوه مطالعه دارنده یک رتبه برتر، با توجه به مهارت و سطح آمادگی شما، نتواند پاسخگوی نیاز شما باشد.

محمد امین روان بخش

رتبه ۲ گروه آزمایشی علوم تجربی آزمون سراسری ۹۵، زبان و ادبیات

فارسی ۱۰۰ درصد:

زبان و ادبیات فارسی را موضوعی می‌خواندم؛ یعنی درس‌ها را می‌خواندم و بعد لغات و کلمات هر درس را وارد دفترچه یادداشت می‌کردم و مفهوم بیت‌ها و جملات را مشخص می‌کردم و در نهایت تست قرابت می‌زدم. برای زبان فارسی نیز اصل برایم کتاب درسی بود؛ تا جایی که همه مثال‌های کتاب درسی را دقیق می‌خواندم. در کل زبان و ادبیات فارسی را زیاد دوره کردم، برای مثال بعد از عید شاید لغات را ۱۰ بار و تاریخ زبان و ادبیات فارسی را ۵ یا ۶ بار دوره کردم.

الهام حبیب زاده

رتبه ۴ گروه آزمایشی علوم انسانی آزمون سراسری ۹۳، زبان و ادبیات

فارسی ۹۰/۷ درصد:

زبان و ادبیات فارسی عمومی را موضوعی می‌خواندم؛ یعنی مباحث این درس را به چهار قسمت املا و لغت و تاریخ زبان و ادبیات فارسی، قرابت معنایی، آرایه‌های ادبی و زبان فارسی تقسیم کرده بودم و روی هر چهار مبحث کار می‌کردم. برای لغت به واژگان انتهایی کتاب مراجعه می‌کردم و همه معانی یک واژه را حفظ می‌کردم. برای املا بیشتر تست می‌زدم و معتقدم که اگر کسی ۳۰ یا ۴۰ تست در زمینه املا بزند، کم‌کم دستش می‌آید که روی چه لغاتی باید تمرکز کند و با تست زدن به مهارت لازم می‌رسد. تاریخ زبان و ادبیات فارسی و درآمدها و اعلام را هم هر بار برای آزمون‌های آزمایشی سنجش مرور می‌کردم.

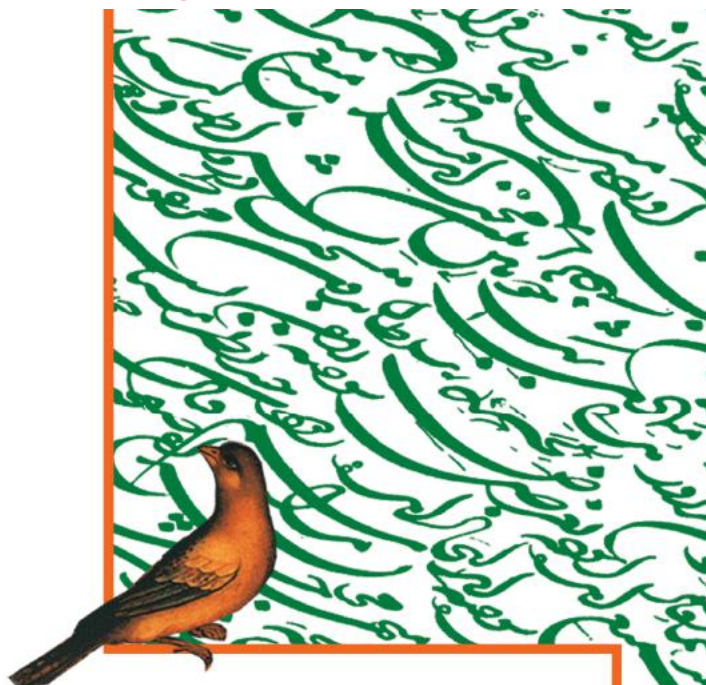
زبان و ادبیات فارسی را در تابستان منتهی به سال چهارم خواندم و هر هفته روی یک مبحث کار کردم. در طی سال تحصیلی نیز فقط تست می‌زدم. برای آرایه‌ها خیلی تست حل کردم؛ حتی اردیبهشت ماه، که فقط یک ماه به آزمون سراسری مانده بود، حس کردم که در آرایه‌ها ضعیف هستم و برای مدت دو هفته، هر روز ۳۰ تست مربوط به آرایه‌ها را زدم. در قرابت معنایی هم با تست زدن قوی شدم.

علی ولایی

رتبه ۱ گروه آزمایشی علوم انسانی آزمون سراسری ۹۳، زبان و ادبیات فارسی

۷/۲۸ درصد:

در مبحث آرایه‌ها و قرابت معنایی، از همان سال سوم مشکل داشتم؛ برای همین از تابستان سال پیش دانشگاهی کتاب تست گرفتم و به طور منظم هفته‌ای حدوداً ۲۰ تست می‌زدم. در ابتدا برایم پاسخگویی به تست‌ها مشکل بود، اما با تمرین بسیار، تعداد



از نگاه رتبه‌های برتر آزمون‌های سراسری:

زبان و ادبیات فارسی را چطور

بخوانیم؟

@sanjesheducationgroup

غلط‌هایم کمتر شد.

که برنامه منظمی برای تست زدن داشتم و هر روز یا یک روز در میان، در مباحث متفاوت این درس، مثل قرابت معنایی، آرایه‌ها، زبان و ادبیات فارسی و ... ۵ تا ۱۰ تست می‌زد.

پوریا یاراحمدی

رتبه ۳ گروه آزمایشی علوم تجربی آزمون سراسری ۹۲، زبان و ادبیات فارسی ۷۳/۴ درصد:

برای قرابت معنایی خیلی تست می‌زد. لغات انتهایی کتاب‌های فارسی و تاریخ زبان و ادبیات فارسی را هم بارها مطالعه کردم؛ برای مثال، تاریخ زبان و ادبیات فارسی را حداقل ۲۰ بار مرور کردم. اوایل در زمینه آرایه‌ها ضعف داشتم، اما بعد تست‌های آرایه‌های آزمون‌های سراسری را که حدود ۳۰۰ تست می‌شد، با دقت حل کردم و انجام این کار به پیشرفتم کمک کرد. در کل، وقت زیادی برای زبان و ادبیات فارسی گذاشتم و خیلی تست زدم.

پویان مینایی

رتبه ۴ گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی آزمون سراسری ۹۲، زبان و ادبیات فارسی ۸۹/۴ درصد:

با زبان و ادبیات فارسی کمی مشکل داشتم، اما فکر می‌کنم که همه با زبان و ادبیات فارسی مشکل دارند؛ چون برای هر مبحث آن، که برای مثال سه تا سؤال از آن طرح می‌شود، باید به اندازه یک درس وقت گذاشت؛ برای همین، من روزانه یک تا یک و نیم ساعت زبان و ادبیات فارسی می‌خواندم.

زبان و ادبیات فارسی را هم به صورت مبحثی مطالعه می‌کردم و هم به طور درس به درس؛ یعنی، علاوه بر اینکه هر درس کتاب زبان و ادبیات فارسی‌ام را یک به یک مطالعه می‌کردم، برای مباحث مختلف نیز جداگانه وقت می‌گذاشتم؛ برای مثال، اول سال تحصیلی طی ۴ یا ۵ روز تمام واژگان انتهایی کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی را حفظ کردم؛ حتی وقتی کتاب زبان و ادبیات فارسی سال چهارم دستم رسید، اولین کاری که کردم این بود که واژگان آن را جداگانه حفظ کردم و هر ماه نیز یک بار واژگانی را که حفظ کرده بودم، مرور می‌کردم؛ برای همین، نزدیک آزمون سراسری، کاملاً به معنای واژگان مسلط بودم. برای قرابت معنایی هم، علاوه بر کتاب‌های کمک آموزشی موجود، سعی کردم تا شعر خوانی‌ام را تقویت کنم و برای رسیدن به این توانایی، بسیاری از غزلیات حافظ و سعدی را خواندم.

زبان و ادبیات فارسی را خیلی کار کردم؛ برای مثال، تمامی واژگان، ترکیب‌های وصفی و اضافی و وابسته‌های پسین و پیشین چهار درس از درس‌های متن کتاب زبان و ادبیات فارسی سال چهارم را، که به نظرم مهم بود، پیدا کردم. این تمرین‌های متعدد سبب شد که در تست زبان و ادبیات فارسی مهارت پیدا کنم و حتی در زمانی کمتر از زمان استاندارد پاسخگویی به تست زبان و ادبیات فارسی، به سؤال‌های این مبحث پاسخ بدهم. برای املا نیز، علاوه بر حل تست‌های متعدد، شش یا هفت بار املاهای زبان فارسی را مطالعه کردم.

مصطفی عبدالهی نیسیانی

رتبه ۱۱ گروه آزمایشی علوم انسانی آزمون سراسری ۹۳، زبان و ادبیات فارسی ۷۰/۷ درصد:

برای زبان و ادبیات فارسی، علاوه بر مبحثی خواندن لغت، املا و تاریخ زبان و ادبیات فارسی، سعی می‌کردم که روزی ۱۵ سؤال برای قرابت معنایی کار کنم. همچنین برای تسلط بر املا، لغات مهم کلیده و دمنه و قابوس‌نامه را یادداشت می‌کردم و برای یادگیری معنی لغات، برگه‌های پایانی کتاب را از آن جدا می‌کردم و در راه مدرسه آنها را مرور می‌کردم.

مبحث زبان فارسی در کل برای همه مشکل است؛ خصوصاً سؤال‌هایی که نیاز به شمردن دارد؛ برای همین، در آزمون‌های آزمایشی، این تست‌ها را در صورتی که وقت می‌کردم پاسخ می‌دادم؛ البته در همین سؤال‌ها نیز با تمرین و تست زدن می‌شود سرعت پیدا کرد و احتمال خطا را هم کاهش داد.

در مبحث املا خیلی مشکل نداشتم، اما در قسمت لغات، ابتدا نکات ریزی که طراحان سؤال در نظر می‌گرفتند، برایم مشکل‌آفرین بود، اما تا پایان سال تحصیلی، بمرور در این بخش هم تسلط پیدا کردم.

امیر مسعود ندافی

رتبه ۱۵ گروه آزمایشی علوم تجربی آزمون سراسری ۹۳، زبان و ادبیات فارسی ۹۶ درصد:

من در درس زبان و ادبیات فارسی ضعیف بودم. از سال سوم بود که به عیب خودم پی‌بردم؛ اما نمی‌توانستم آن را رفع کنم. ابتدا می‌خواستم آن را مانند درس ریاضی مفهومی بخوانم و با فرمول‌بندی، سؤالات را حل کنم؛ اما درصدهای زبان و ادبیات فارسی‌ام ۶۰ تا ۷۰ درصد بود. بعد از عید سعی کردم که از نقاط قوت خود استفاده کنم و از روش‌های آن در درس زبان و ادبیات فارسی استفاده کنم. نقطه قوت پایدار من درس زمین‌شناسی بود. این درس را با توجه به سؤالات آزمون سراسری می‌خواندم؛ یعنی آن سؤالات را سر لوحه مطالعه خود قرار می‌دادم و از نکته‌های آنها برای حل سایر سؤالات استفاده می‌کردم.

بنابراین، در دوران جمع‌بندی، سؤالات آزمون سراسری را در درس زبان و ادبیات فارسی، بسیار خوب تحلیل کردم. شاید برای هر سؤال ۲۰ دقیقه وقت گذاشتم و سعی کردم که نگاهم را به سؤال با نگاه طراح همسو کنم و در آزمون سراسری توانستم زبان و ادبیات فارسی را ۹۶ درصد بزنم که خود این موضوع، از مهم‌ترین عوامل کسب رتبه خوب از سوی من بود.

زینب امیر بکایی

رتبه ۲ گروه آزمایشی علوم انسانی آزمون سراسری ۹۲، زبان و ادبیات فارسی عمومی ۸۶/۷ درصد:

سؤال‌های زبان و ادبیات فارسی آزمون سراسری چندان بر اساس کتاب نیست؛ بلکه از مباحث مختلفی سؤال می‌دهند که باید هر مبحث را به صورت مجزا مطالعه کرد و بر آن مسلط شد؛ برای مثال، در مبحث املا، آرایه‌های ادبی یا قرابت معنایی، باید تست زیاد زد و با تست زدن می‌توان روی این مباحث مسلط شد. در زبان و ادبیات فارسی، داشتن یک جزوه خوب به نظر من ضروری است تا در درجه اول مطالب را بخوبی فهمید. لغت را هم باید خیلی دوره کرد. خود من، بخش لغات و اعلام انتهایی کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی‌ام را کهنه بودم و بیشتر اوقات در دستم بود و آن را مرور می‌کردم.

سید شایان پور میر بابایی

رتبه ۱ گروه آزمایشی علوم تجربی آزمون سراسری ۹۳، زبان و ادبیات فارسی ۸۹/۴ درصد:

یکی از مشکل‌ترین دروس آزمون سراسری برای من، زبان و ادبیات فارسی بود. در این زمینه، با مشاوران صحبت کردم و سعی کردم که برای این درس در طول هفته خیلی وقت بگذارم؛ یعنی هم خیلی زیاد می‌خواندم و هم زیاد تست می‌زدم و نحوه مطالعه‌ام نیز هم به صورت درس به درس بود و هم به طور موضوعی می‌خواندم؛ بویژه مباحث زبان و ادبیات فارسی و آرایه‌ها را به صورت موضوعی مطالعه می‌کردم، اما مهم‌ترین نکته این بود



انگلیسی دات آی آر www.englishy.ir کانال تلگرام انگلیسی دات آی آر @englishyir

مهدی بخشی

رتبه ۱۰ گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی آزمون سراسری ۹۳، زبان و ادبیات فارسی ۸۶/۷ درصد:

علاوه بر تمرین تست‌های آزمون سراسری، برای رسیدن به تسلط در مباحث مختلف زبان و ادبیات فارسی، بر مبحث املا و واژه‌های کتاب درسی نیز تأکید ویژه داشتیم.

نگین یغمایی

رتبه ۱ گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی آزمون سراسری ۹۳، زبان و ادبیات فارسی ۸۵/۴ درصد:

زبان و ادبیات فارسی را به صورت موضوعی می‌خواندم؛ البته ابتدا کتاب را یک ورق می‌زدم و توضیحات و «بیاموزیم»‌ها را می‌خواندم؛ ولی اصل مطالعه‌ام، به طور موضوعی بود. تاریخ زبان و ادبیات فارسی و لغت را از روی کتاب می‌خواندم و هر شب ۵ تا تست قرابت معنایی می‌زدم و از یک مبحث زبان فارسی ۴ یا ۵ تست حل می‌کردم. لغات و تاریخ زبان و ادبیات فارسی را هم خیلی زیاد دوره می‌کردم و سعی می‌کردم که هر روز یا هر دو روز یک بار، بخشی را مرور کنم.

برای املا، لغات پر کاربرد املا را پیدا و بررسی می‌کردم. بقیه لغات را هم با تست و تمرین یاد می‌گرفتم و گروه لغات کتاب زبان فارسی را هم مرور می‌کردم.

در مبحث آرایه‌ها با تمرین بسیار مسلط شدم؛ البته اول درس نامه را می‌خواندم و بعد از آن تمرین و در نهایت تست‌های آزمون سراسری را حل می‌کردم.

غزاله تفاق

رتبه ۵ گروه آزمایشی علوم تجربی آزمون سراسری ۹۱، زبان و ادبیات فارسی ۹۴/۷ درصد:

برای مبحث قرابت معنایی، از همان اول سراغ سؤالات آزمون سراسری رفتم؛ چون به نظر من در این مبحث، طراحان سؤالات آزمون سراسری نگاه خاصی دارند و تا وقتی که خواسته آنها را متوجه نشویم، نمی‌توانیم به آنها درست جواب دهیم.

تارا فرسادفر

رتبه ۱ گروه آزمایشی هنر آزمون سراسری ۹۳، زبان و ادبیات فارسی ۷۴/۷ درصد:

در درس زبان و ادبیات فارسی، به مباحث قرابت معنایی و آرایه‌ها، چون در

دوران دبیرستان خوب کار کرده بودیم، مسلط بودم. در سال چهارم هم در ابتدا درس به درس مطالعه می‌کردم و تست‌های آرایه‌ها و قرابت هر درس را حل می‌کردم، اما در اواخر به طور موضوعی مطالعه می‌کردم؛ یعنی یک روز لغت، یک روز قرابت، یک روز آرایه‌ها و همین‌طور هر روز یک مبحث را می‌خواندم.

برای مرور تاریخ زبان و ادبیات فارسی، خودم فلش کارت درست کرده بودم و لغات را هم بارها مرور کردم تا در خاطرمان بماند.

محمد استاد محمدی

رتبه ۱ گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی آزمون سراسری ۹۱، زبان و ادبیات فارسی ۷۶ درصد:

در درس‌های عمومی، بخصوص ادبیات، مشکل داشتم. مشکلم این بود که وقتی درسم را می‌خواندم، بعد از مدتی می‌دیدم که آن را کاملاً فراموش کرده‌ام و در آزمون‌های آزمایشی نتیجه دلخواهم را نمی‌گرفتم.

بعد از مدتی با چند نفر که مشاوره کردم، فهمیدم کار اشتباه من این بود که اگر دو فصل را برای آزمون بعدی می‌خواستیم بخوانیم، هر دو را در یک روز می‌خواندم؛ در نتیجه، همان زمانی را که برای مطالعه می‌گذاشتم، یعنی ۵ تا ۶ ساعت را به جای یک ضرب خواندن در سه روز خواندم. با انجام این کار، درصدم در آزمون‌های آزمایشی به طور کلی بالا رفت؛ تا جایی که اول ادبیات را ۴۰ درصد می‌زدم و آرزو می‌کردم که ۷۰ درصد بزنم، ولی با این روش ۱۰۰ درصد هم زدم و معمولاً درصدم بالای ۸۰ بود.

روژان ربانی

رتبه ۷ گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی آزمون سراسری ۹۲، زبان و ادبیات فارسی ۸۸ درصد:

من با زبان و ادبیات فارسی مشکل داشتم و در ابتدای سال چهارم، چون کتاب‌ها را کامل نخوانده بودم و به صورت موضوعی نیز مطالعه نکرده بودم، در درس زبان و ادبیات فارسی درصد خوبی در آزمون‌های آزمایشی یا آزمون‌های مدرسه نمی‌آوردم، اما از اسفند ماه به بعد، که کتاب‌ها تمام شد و به صورت مبحثی مطالعه می‌کردم، درصدم بهتر شد؛ در واقع من هم قبول دارم که بهتر است زبان و ادبیات فارسی را به طور مبحثی خواند، اما در ابتدا باید کتاب درسی را درس به درس مطالعه کرد و به آنها مسلط شد و در مرحله بعد باید به زبان و ادبیات فارسی نگاه موضوعی داشت و مباحث قرابت معنایی و درک مطلب، آرایه‌ها، لغت، تاریخ زبان و ادبیات فارسی، زبان فارسی و املا را به صورت موضوعی مطالعه نمود.

تأکیدی نداشتم که در آزمون سراسری حتماً تست املا بزنم، اما روی کلمات مهم درس با «مارکر» خط می‌کشیدم تا موقع درس خواندن، توجهم جلب شود و تست‌های آزمون سراسری را هم در این مبحث چند بار زدم.

تعریف‌های آرایه‌ها را خوب خواندم و خلاصه‌برداری کردم. تست‌های آزمون سراسری را

هم در این مبحث خوب کار کردم و بیت‌های کتاب درسی را هم قبل از اینکه معلم درس بدهد، خودم مطالعه می‌کردم و آرایه‌هایش را بررسی می‌کردم.

پویا براهیم باستانی

رتبه ۱ گروه آزمایشی علوم تجربی آزمون سراسری ۹۲، زبان و ادبیات فارسی ۸۹/۴ درصد:

به زبان و ادبیات فارسی، رویکردی موضوعی داشتیم؛ یعنی زبان و ادبیات فارسی را به عنوان یک درس منسجم از درس یک تا انتها نمی‌خواندم؛ بلکه مباحث مختلف زبان و ادبیات فارسی که از آنها سؤال طرح می‌شود، مطالعه می‌کردم.

در بحث لغت، تأکید بیشتر بر لغات آخر کتاب بود؛ البته لغات متن درس را هم می‌خواندم و می‌دانستم که مهم است؛ حتی امسال برای اولین بار، از لغات متن درس سؤال آمده بود که معنی چند لغت صحیح است. سال‌های پیش به این نحو از متن درس، سؤال طرح نشده بود. باید بگویم که لغات کتاب زبان و ادبیات فارسی را خیلی مرور کردم. شاید ۲۰ یا ۳۰ بار دوره کردم و هر پنج‌شنبه هم از پدرم می‌خواستیم که معنی لغات را از من بپرسد و در پاسخش همه معانی را می‌گفتم؛ چون تأکید روی معانی دور از ذهن یک لغت، خیلی مهم است؛ برای مثال، یکی از معانی "کالبد"، روح است؛ در حالی که خیلی‌ها فکر می‌کنند که کالبد یعنی جسم. برای مبحث املا، خیلی تست می‌زدیم و فکر می‌کنم با تست زدن زیاد و مرور چند باره تست‌های آزمون سراسری می‌شود به این مبحث مسلط شد. خود من تا حد زیادی به مبحث املا مسلط شده بودم و هیچ وقت در آزمون‌های آزمایشی تست املا را غلط نمی‌زدیم، اما در آزمون سراسری یک غلط من از املا و یکی دیگر از مبحث لغت بود.

مبحث تاریخ زبان و ادبیات فارسی را از سال دوم به صورت جدی می‌خواندم. با اینکه بعضی‌ها معتقدند که تاریخ زبان و ادبیات فارسی فرّار است و باید مطالعه آن را برای روزها یا ماه آخر گذاشت، من معتقدم که باید این مبحث را به صورت تدریجی خواند تا حفظ شد.

در آرایه‌ها مشکل داشتیم؛ چون کتاب درسی خیلی در این زمینه توضیح نداده است؛ البته در سال سوم، دبیر زبان و ادبیات فارسی ما بیشتر کتاب آرایه‌های دانش‌آموزان علوم انسانی را با ما کار کرد، ولی باز من در بعضی از آرایه‌ها مشکل داشتم و بیشتر تست‌های این مبحث را با رد گزینه پاسخ می‌دادم. سر جلسه آزمون سراسری هم سؤال‌های آرایه‌ها را کنار گذاشتم و بعد از پاسخ دادن به سؤال‌های عربی، بار دیگر سراغشان رفتم؛ چون سؤال‌ها دشوار بود و ترسیدم که زمان درس‌های بعدی را از دست بدهم.

به مبحث زبان و ادبیات فارسی مسلط بودم و با اینکه سؤال‌های این مبحث در سال ۹۲ نوآوری داشت، اما به آنها پاسخ دادم. مبحث قرابت معنایی نیز به نظر من بیشتر مهارتی است تا یاد گرفتنی. کسی که بتواند ابیات را به درستی بخواند، تا حد زیادی در این مبحث، توانمند خواهد بود؛ در ضمن، من زبان و ادبیات فارسی را دوست داشتم و در این درس، مطالعه خارج از کتاب درسی داشتم.

علی عجم

رتبه ۲ گروه آزمایشی علوم تجربی آزمون سراسری ۹۲، زبان و ادبیات فارسی ۸۲/۷ درصد:

در زبان و ادبیات فارسی نسبتاً مشکل داشتم و از اول می‌لنگیدم و در بعضی از مباحث مثل آرایه‌ها یا قرابت معنایی، حتی تا نزدیک آزمون سراسری هم، می‌لنگیدم؛ اما علاوه بر اینکه طبق برنامه ارائه شده از طرف مدرسه هر روز یک ربع قرابت و یک ربع آرایه کار می‌کردم، خودم نیز در مباحث مختلف زبان و ادبیات فارسی تست خیلی زدم؛ در کل، باید پذیرفت که زبان و ادبیات فارسی، درسی حفظی نیست و به عنوان یک درس عمومی نباید به آن نگاه کرد؛ چون مباحث متنوعی دارد و برای آن باید زمان زیادی گذاشت. خود من سر جلسه آزمون سراسری، با دیدن سؤال‌های زبان و ادبیات فارسی روحیه‌ام خراب شد و درصد بالایی هم ن‌زدم.

سهند سروری

رتبه ۹ گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی آزمون سراسری ۹۲، زبان و ادبیات فارسی ۷۰/۷ درصد:

برای قسمت لغت و املا فارسی، هر شب ۵ تا ۱۰ واژه جدید حفظ می‌کردم؛ به گونه‌ای که بتوانم در املا از آن استفاده کنم. همچنین شبی یک صفحه گلستان می‌خواندم و روی املا کلمات دقت می‌کردم و شبی ۵ تا ۱۰ تست املا هم می‌زدیم. برای آرایه‌ها ابتدا خود آرایه‌ها را خوب یاد گرفته‌م و بعد تست‌های آرایه آزمون سراسری را زدم؛ در ضمن، پاسخنامه را هم بررسی می‌کردم تا کاربرد آرایه را خوب یاد بگیرم. به نظر من، یادداشت کردن آرایه‌های تکراری یا آرایه‌هایی که در آنها زیاد اشتباه می‌شود نیز راه مفیدی است؛ برای مثال، خود من این نکته را که "ماه" استعاره از معشوق است، فراموش می‌کردم. این موضوع را یادداشت کردم و بعد از چند بار مطالعه مفهوم آن در ذهنم ماند.

مبحث زبان و ادبیات فارسی نیز مثل آرایه‌ها نیاز به تمرین فراوان دارد من شاید سه بار تست‌های زبان و ادبیات فارسی آزمون سراسری را حل کردم. برای تست‌های قرابت معنایی هم لازم است که مفهوم درس‌ها را یاد گرفت؛ در ضمن، من هر شب ۱۰ تا ۱۵ تست قرابت معنایی می‌زدیم.

مبحث تاریخ زبان و ادبیات فارسی نیز نیاز به تکرار زیاد دارد. برای این مبحث به جای حفظ کردن باید روخوانی بسیار کرد تا ملکه ذهن شود؛ برای مثال، با به گوش رسیدن عنوان کتاب، باید به طور ناخودآگاه اطلاعات موجود در کتاب به ذهنت بیاید؛ نه اینکه فکر کنی تا به خاطر بیاید. برای رسیدن به این مرحله، من هر شب، یک صفحه اعلام یا تاریخ زبان و ادبیات فارسی می‌خواندم.